



حق زن بر بدن خود

اثر مارگارت سنگر
بر اساس ویرایش دایان راویچ



حق زن بر بدن خود

اثر مارگارت سنگر
بر اساس ویرایش دایان راویچ



توانا

TAVAANA

آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education

THE AMERICAN READER.
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner
whatsoever without written permission except in the case of brief
quotations embodied in critical articles and reviews.
For information address HarperCollins Publishers Inc.,
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published by
arrangement with HarperCollins Publishers.



آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

حق زن بر بدن خود

(The Right to One's Body)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نویسنده: مارگارت سنجر (Margaret Sanger)

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

© E-Collaborative for Civic Education 2014

e-collaborative for civic education

ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که میشمار صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari

فهرست

۹

۱۱

مقدمه دایان راویچ

حق زن بر بدن خود

مقدمه دایان راویچ

«زنی که صاحب تن خود نیست و نمی‌تواند آگاهانه انتخاب کند که می‌خواهد مادر بشود یا نه نمی‌تواند خودش را آزاد بنامد.»

مارگارت سنگر^۱ پرستار و مبارز خستگی‌ناپذیر برای قانونی کردن «کنترل باروری» برای زنان و اولین مطرح‌کننده این تعبیر بود. او در ۱۸۷۹ در کورنینگ نیویورک متولد شد و ششمین فرزند از یازده فرزند خانواده بود. مادرش که در کنار زایمان یازده فرزند سقط جنین‌های زیادی داشت قبل از ۵۰ سالگی درگذشت. خود او وقتی در منطقه فقیرنشین جنوب شرقی شهر نیویورک پرستار شد، شاهد مرگ و میر بالای مادران و نوزادان بود و به مداوای زنانی پرداخت که دست به سقط جنین‌های زیان‌بار زده بودند. به همین دلیل، بر ضد قوانینی که اطلاع‌رسانی درباره کنترل باروری را جرم می‌شمرد، کمپین به راه انداخت. در ۱۹۱۲ ستونی در مجله سوسیالیست «ندای نیویورک» می‌نوشت با این عنوان: «آنچه هر

1. Margaret Sanger (1879-1966)

دختری باید بداند». در سال ۱۹۱۴ ماهنامه «زن شورشی»^۱ را منتشر کرد^۲ و جزوهای هم به نام «تنظیم خانواده» تهیه کرد. از آنجا که انتشار یا توزیع چنین اطلاعاتی غیرقانونی بود، علیه او کیفرخواست صادر شد که باعث شد به کانادا و سپس انگلستان بگریزد. اما پرونده‌اش با صرف نظر شدن از اتهامات او پیگیری نشد. در بازگشت به آمریکا، به سال ۱۹۱۶ اولین درمانگاه کنترل باروری کشور را در بروکلین باز کرد، ولی به جرم «ایجاد مزاحمت عمومی» دستگیر شد و سی روز در بازداشت بود. او به کشورهای مختلف سفر کرد تا اهمیت کنترل زاد و ولد را برای مردم توضیح دهد. با گذشت زمان، بیشتر ایالت‌ها دسترسی به اطلاعات تنظیم خانواده را آزاد کردند. چند سال پس از مرگ او، دادگاه عالی آمریکا سقط جنین را قانونی کرد گرچه در سال ۱۹۸۹ حکم داد که دولت‌های ایالتی اجازه دارند دسترسی به سقط جنین را محدود کنند. او معتقد بود تا زنان نتوانند درباره بچه‌دار شدن خود تصمیم بگیرند آزاد نخواهند بود. متن زیر برگرفته از کتاب مارگارت سنگر به نام زن و نسل نواست.

1. The Woman Rebel

۲. که بعداً به «نقدنامه کنترل باروری» تغییر نام داد.

حق زن بر بدن خود

حق مادر شدن باید انتخابی باشد

اعمال مسئله کنترل زاد و ولد به طور مستقیم نتیجه تلاش روح زنانه برای رها کردن خود از بند است. زن خود به واسطه توان تولید مثل اش این بند را فرسوده کرده و علاوه بر خودش دنیا را هم گرفتار کرده است. رنج جسمی عمدتاً از آن زن است. همچنین زندگی عشقی اوست که زیر فشار سنگین تولید مثل نابود می‌شود. آینده انسان در وجود او نهفته است - وضعیت او می‌تواند نسل آینده را موفق یا نابود کند. همه این ملاحظات به یک نکته اشاره دارد و آن اینکه وظیفه و نیز امتیاز زن است که منابع تامین آزادی را در دست داشته باشد. مردان هر چه انجام دهند، این زن است که نمی‌تواند از مسئولیت فرار کند. او قرن‌ها از فرصت انجام این وظیفه محروم بوده است. اکنون دارد از این ناتوانی بیرون می‌آید. چون هیچ‌کس نمی‌تواند در رنج مادری که کمرش زیر بار مسئولیت خم شده سهیم باشد، کسی هم نمی‌تواند این کار را به جای او انجام دهد. دیگران ممکن است کمک کنند، ولی فقط خود او می‌تواند خودش را آزاد کند.

آزادی اساسی دنیا آزادی زن است. یک نسل آزاد نمی‌تواند از مادران در بند به دنیا بیاید. یک زن در زنجیر نمی‌تواند انتخاب کند، بلکه بخشی از اسارتش را

به دختران و پسرانش منتقل می‌کند. زنی که صاحب تن خود نیست و بر آن کنترل ندارد نمی‌تواند خودش را آزاد بنامد. هیچ زنی نمی‌تواند خود را آزاد بنامد مگر اینکه آزادانه بتواند مادر بودن یا نبودن را انتخاب کند.

حق مادر شدن باید انتخابی باشد

اینکه گروهی از زنان به خاطر اینکه درآمد دارند یا عرف‌های روابط جنسی را زیر پا می‌گذارند خود را آزاد می‌نامند، تغییر زیادی در شرایط ایجاد نمی‌کند. زنی که خرج زندگی‌اش را درمی‌آورد نوعی آزادی به دست می‌آورد که بی‌ارزش نیست، اما از نظر کیفیت و کمیت در مقابل حق کامل انتخاب مادر شدن یا جفت‌گیری داشتن خیلی کم اهمیت است. زنی که کار می‌کند، غذا و پوشاک و سرپناهش را بدون منت شریکش به دست می‌آورد، اما درآمد داشتن باعث رشد تکامل میل جنسی درونی او نمی‌شود که بسیار عمیق‌تر و قوی‌تر از هر نیروی بیرونی دیگر است. زن برای به دست آوردن آن رشد و تکامل باید با مسئله مادری رو به رو شود و آن را حل کند.

برای زن به اصطلاح آزادی که بر خلاف عرف شریک زندگی انتخاب می‌کند، آزادی بیشتر مسئله ایست که به شخصیت و جسارت مربوط می‌شود. حتی اگر در انتخاب همسر هیچ محدودیتی نداشته باشد، باز هم در موقعیتی است که ممکن است به واسطه نیروی تولید مثل به بردگی درآید. در واقع، فشار قانون و عرف بر زنی که به شکل قانونی ازدواج نکرده، ممکن است بیش از زنی باشد که توانسته با مرد مورد نظرش ازدواج کند.

از هر دیدگاهی که مایل هستید، به مسئله نگاه کنید، راه حل ارائه دهید، چه متعارف و چه نامتعارف، چه همسو و چه مخالف با قانون، در واقع زن همچنان در وضعیت یکسانی است مگر اینکه بتواند خودش در مورد مادر شدن و تعداد فرزندان تصمیم بگیرد. این شرایط اجتناب‌ناپذیر به تنهایی کافی است تا قبل از هر چیز کنترل زاد و ولد را به مسئله زن تبدیل کند. واضح است که مادری خودخواسته مسئله اصلی زن است.

نقش مرد در باروری ناخواسته

اما همواره تاکید می‌کنند که چون رابطه جنسی امری دوفره است، مسئولیت کنترل نتیجه را نباید فقط بر عهده زن گذاشت. می‌پرسند آیا عادلانه است که به جای مرد مسئولیت محافظت از زن را به خود او بسپریم که احتمالاً از نظر جسمی از

شریکش ضعیف تر است و همیشه درگیر گرفتاری‌های طبیعی و دوره‌ای جنسیت‌اش است؟

باید این مسئله را از دو جهت بررسی کنیم، یکی در شرایط جامعه‌ای آرمانی و دیگر در مسیر دست یافتن به وضعیت آرمانی. بی‌تردید در یک جامعه آرمانی، کنترل باروری هم دغدغه مرد است و هم زن. واقعیت سخت و گریزناپذیری که امروز با آن رو به رو هستیم این است که مرد نه تنها از چنین مسئولیتی سرباز زده، بلکه به طور فردی و جمعی کوشیده تا مانع دسترسی زن به دانش لازم برای انجام این مسئولیت شود. زن امروز هنوز وابسته است، زیرا همسرش او را به عنوان فردی جدا و مستقل از نیازهای خود نپذیرفته است. زن هنوز دربند است زیرا در گذشته راه حل مسئله را به مرد سپرده است، و در نتیجه به جای حقوق، فقط امتیازاتی را به واسطه التماس و چرب زبانی و اغفال به دست آورده است. زن چون این مسئله را به مرد سپرده، استثمار شده، و به اسارت امیال مرد درآمده است.

درست است که مرد هم از پیامدهای این وضعیت لطمه دیده، اما زن بیشترین رنج را متحمل شده است. درست است که مرد باید از دلایل این معضلات آگاه شود، اما می‌دانیم که او هر روز به خانه می‌آید و با زور و خشونت بسیار به سراغ زن می‌رود. این زن است که بار سنگین بزرگ کردن و نگهداری از بچه‌های ناخواسته را به دوش می‌کشد. دیدن بچه‌های ناقص، غیرعادی، دچار سوء تغذیه و خسته از کار مدام قلب زن را عمیقاً به درد می‌آورد. این زندگی عشقی زن است که از ترس بارداری ناخواسته نابود می‌شود، و به خاطر آن فرصتش برای ابراز وجود نومیدانه از بین می‌رود.

قوانین مردانه و استقلال زنانه

این شرایط و واقعیت‌هاست که بر مشکل تاثیر می‌گذارد، نه نظریات و رویاها. شرایط و واقعیت‌ها معضل را بر دوش زن می‌گذارد. زن متوجه شده که مسئولیت اخلاقی مرد در این شرایط هرچه که باشد، آن را ادا نمی‌کند. زن دریافته که مهم نیست شوهرش چقدر فرد فهمیده و دوست داشتنی‌ایست، واقعیت این است که او نمی‌تواند از مردها به طور جمعی وقتی قانون و عرف وضع می‌کنند، هیچ انتظاری داشته باشد. زن می‌داند فارغ از آنچه باید باشد، واقعیت بیرحم و اجتناب‌ناپذیر این است که او هیچ‌وقت آزادی‌اش را دریافت نمی‌کند مگر اینکه خودش آن را به دست آورد.

زن این‌ها را دریافته، اما هنوز یک نکته دیگر هست که باید یاد بگیرد. زنان بیش از حد دنباله رو مردان هستند و می‌کوشند که مثل آنها فکر کنند و مشکلات کلی زندگی را مثل مردها حل کنند. اگر زنان بعد از به دست آوردن آزادی‌شان، در دولت، صنعت، هنر، اخلاقیات، و مذهب مسئولیت بپذیرند، با این رویکرد فقط مقلد مردان خواهند بود. زن نباید کار مردان را انجام دهد و مثل مردان فکر کند. نباید نگران باشد که ذهنیت مردانه، که تقریباً تسلطی جهان‌شمول دارد، از پس مراقبت از خود برنمی‌آید. ماموریت زن این نیست که روح مردانه را افزایش دهد، بلکه باید زنانگی را بروز دهد. وظیفه‌اش این نیست که از دنیای ساخته مردان محافظت کند، بلکه باید با آمیختن عنصر زنانه با همه فعالیت‌های زندگی، دنیایی انسانی بسازد.

زن نباید تن بدهد، باید به چالش بکشد. نباید از آنچه در اطرافش ساخته شده، بترسد. باید به آنچه در درونش برای بروز تلاش می‌کند، احترام بگذارد. باید نگاهش را نه به آنچه هست، بلکه به آنچه باید باشد متوجه کند. فقط باید با ذهنی پرسشگر به دیدگاه‌های متعصب جامعه مردمحور گوش دهد. موقع انتخاب آزادی عملی که تازه به دست آورده، باید در پرتو عقیده و شهود خودش عمل کند. فقط در این صورت است که می‌تواند روح زنانه را آزاد کند، و همسرش را از بندگی که هر دوی آنها را اسیر کرده برهاند. فقط در این صورت است که می‌تواند چیزهایی را که مرد به واسطه محدود کردن او از خود ربوده، به او برگرداند. فقط در این صورت است که می‌تواند دنیا را از نو بسازد....

